

بررسی وضعیت توسعه فراگیر

در دوره برنامه‌های اول تا پنجم توسعه در ایران (۱۳۶۸-۱۳۹۵)

فرشاد مومنی* و حسین رجب‌پور**

نوع مقاله: علمی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۴	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۹	شماره صفحه: ۳۶۴-۳۲۵
-----------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

مفهوم توسعه فراگیر با تمرکز بر رابطه برابری و توسعه، به ابعاد مختلف توسعه به ویژه اجتماعی و سیاسی آن و نحوه توزیع مواهب توسعه بین بخش‌های گوناگون جامعه، به خصوص گروه‌های به حاشیه رانده شده و اقلیت‌های اجتماعی اشاره دارد. در این مطالعه با تهیه شاخص ترکیبی توسعه فراگیر در قالب پنج بعد، ۱۱ مؤلفه و ۳۳ متغیر، فراگیری توسعه در دوره اجرای برنامه‌های توسعه اول تا پنجم بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد که به رغم بهبود توسعه فراگیر طی اجرای برنامه‌های توسعه، اولاً دستاوردهای کمی رشد با دستاوردهای کیفی توسعه‌ای همبستگی ضعیفی داشته است، ثانیاً میان وجه سیاسی توسعه فراگیر (حکمرانی) و دستاوردهای توسعه همبستگی معناداری وجود دارد، ثالثاً روند توسعه فراگیر در کشور برگشت‌پذیر محسوب می‌شود به این معنا که بهبود توسعه فراگیر طی دو برنامه چهارم و پنجم توسعه متوقف شده است. همچنین از میان ۱۱ مؤلفه مورد بررسی، صرفاً در دو برنامه دوم و سوم توسعه بخش عمده مؤلفه‌ها در حال بهبود بوده‌اند. این نتیجه هنگامی که با ۶ ساله شدن دوره اجرای برنامه‌های توسعه پنج‌ساله اول، چهارم و پنجم جمع شود، بیانگر آن است که شاخص توسعه فراگیر، ملاک خوبی برای ارزیابی عملکرد توسعه‌ای این برنامه‌ها محسوب می‌شود. در مجموع، پیشنهاد می‌شود که توسعه فراگیر در کانون سیاستگذاری‌های برنامه هفتم توسعه مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: رشد اقتصادی؛ نابرابری؛ توسعه فراگیر؛ برنامه‌های توسعه

Email: f.momeni@atu.ac.ir

* استاد دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی؛

** دکتری توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)؛

Email: hossein.rajabpour@gmail.com

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست‌ونهم، شماره یکصدویازدهم، پاییز ۱۴۰۱

doi: 10.22034/MR.2022.4692.4590

مقدمه

از هنگام ظهور انبوه کشورهای تازه استقلال یافته در آغازین سال‌های پس از جنگ جهانی دوم و تلاش گسترده این کشورها برای چیرگی بر عقب‌ماندگی، رفع فقر و در یک کلام دستیابی به «توسعه»، این مفهوم به صورت گسترده دستخوش تحول بوده است. در این چارچوب شاید مهم‌ترین تحول، بسط مفهوم توسعه از صرفاً رشد اقتصادی به تحولی ساختاری است که ضمن بهبود ابعاد درآمدی و غیردرآمدی رفاه، از پایداری و نیز توزیع عادلانه برخوردار باشد (Rauniyar and Kanbur, 2010) تحولی که عدالت و برابری را در متن اهداف توسعه هزاره (Dani and Haan, 2008) و بعدتر توسعه پایدار قرار داده بود و اکنون به معرفی مفاهیم و ترکیب‌هایی مانند «توسعه فراگیر» منجر شده است.

می‌توان گفت که فراتر بردن درک نظری توسعه از یک تحول اقتصادی به تحول نظم اجتماعی، کانون توجه به فراگیری و اهمیت دستیابی به آن شده است. توسعه اکنون نه بهبودهای حاشیه‌ای در بعد مادی و اقتصادی جامعه بلکه تحولی در نظم اجتماعی و همه عرصه‌های حیات اجتماعی محسوب می‌شود (North, Wallis and Weingast, 2009; Robinson and Acemoglu, 2012). علاوه بر این نظم اجتماعی زمانی پایدار است که ملاحظات مربوط به عدالت در آن دیده شده باشد. در این چارچوب با تأکید بر هزینه‌های مبادلاتی^۱ و آثار توزیعی خط‌مشی‌های دولت، ملاحظات مربوط به عدالت، برابری و فراگیری، نه موضوع یکی از مراحل پایانی توسعه بلکه باید در همه فرایندهای تحول اقتصادی مورد توجه باشد (North, 1981, 2006; Stiglitz, 2012). همین دستاوردهای نظری است که امروزه توسعه فراگیر را به مفهومی مورد توجه سیاستگذاران و نهادهای جهانی بدل ساخته است.

بنابراین با توجه به اینکه ایران کشوری با تنوع گسترده قومی، آب و هوایی، پراکندگی نامتوازن منابع طبیعی و جمعیت و بر همین پایه واجد اقتصادی با تفاوت‌های عمیق و نابرابر در سطح برخورداری از بخش‌ها و برش‌های قومی، مذهبی، جنسیتی و نیز مرکز و پیرامون^۱ و ... است، این سؤال مهم پیش می‌آید که آیا در ایران هنگام تلاش برای توسعه، این تفاوت‌ها در سیاستگذاری مورد ملاحظه قرار گرفته است؟ آیا به این تفاوت‌های عمیق اقتصادی-اجتماعی (در بخش‌های گوناگون کشور) در برنامه‌های توسعه برای تحقق عدالت و توسعه فراگیر توجه شده است؟ با توجه به اینکه یک تفاوت مهم برنامه‌های توسعه پس از انقلاب با برنامه‌های عمرانی پیش از انقلاب تلاش همه‌جانبه در ابعاد مختلف توسعه است، این موضوع هم از نظر ارزیابی وضع موجود و عملکرد برنامه‌های توسعه پس از انقلاب و هم از نظر سیاستگذاری برای برنامه‌های توسعه بعدی می‌تواند دارای اهمیت باشد.

در سطح تجربی، تطور مفهومی و تحول صورت‌بندی نظری توسعه، تغییر در رویکردهای سنجش و ارزیابی توسعه را به دنبال داشته و در نتیجه امروزه سنجش مفاهیم چندبعدی توسعه از جمله توسعه فراگیر از طریق ساخت شاخص چندبعدی^۲ صورت می‌گیرد. با توجه به این موضوع، یک راه مهم ارزیابی توسعه فراگیر در برنامه‌های توسعه، ارزیابی تغییرات شاخص توسعه فراگیر^۳ یعنی ارزیابی تغییرات شاخصی است که تحولات توسعه را در کشور با تمرکز بر موضوع نابرابری و عدالت مورد سنجش قرار می‌دهد. بر این اساس سؤال پژوهش این است که با نگاه به تغییرات شاخص توسعه فراگیر چه ارزیابی‌ای از تحولات توسعه همراه با عدالت در طول برنامه‌های توسعه می‌توان داشت؟ و چه

۱. با نگاه به وضعیت ۱۵ استان مرزی ایران با استان‌های مرکزی، می‌توان تفاوت‌های پیش‌گفته را در قالب قومی، مذهبی، جنسیتی و ... این استان‌ها و سطح برخورداری آنها از مواهب توسعه در مقایسه با استان‌های مرکزی را به روشنی مشاهده کرد.

2. Multidimensional Indicator

3. Inclusive Development Index

توصیه‌هایی را برای برنامه‌های توسعه بعدی می‌توان انجام داد؟

این پژوهش شامل چند بخش می‌شود که پس از مقدمه، مبانی نظری و تحولات صورت گرفته در نظریه‌های توسعه تا معرفی توسعه فراگیر بررسی شده است. در بخش دیگر سوابق سنجش توسعه فراگیر در ایران و جهان و سپس مراحل ساخت شاخص را توضیح داده و همچنین در ادامه یافته‌های تحقیق با به‌کارگیری شاخص تشریح شده است. سرانجام در بخش آخر به جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادهایی در این موضوع پرداخته است.

۱. مبانی نظری

تلاش برای دستیابی به رشد اقتصادی سریع و مستمر، در همه سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، مبنای توصیه‌های نهادهای جهانی به کشورهای در حال توسعه برای دستیابی به اهداف متنوع رفاهی و ملی بوده است. سه دهه گذشته این توصیه‌ها اگرچه با خوشبینی نسبت به پیامدهای رفاهی شتاب‌گیری رشد در برخی کشورهای در حال توسعه همراه بوده است اما وقوع چرخه‌های حرکت-توقف رشد و عدم استمرار آن در بسیاری از کشورهای دیگر به همراه عدم توفیق جدی در رفع فقر (Hakimian, 2016) یا افزایش نابرابری همراه با رشد (Ali and Son, 2007)، نگرانی از کافی و بسنده بودن این توصیه‌ها را در پی داشته است. در واقع، رشد اقتصادی ممکن است همگان را به یک اندازه متأثر نکرده و اصطلاحاً گروهی را پشت سر رها کند که در بلندمدت، غفلت از به حاشیه رانده شده‌ها می‌تواند تبعات جدی برای توسعه در پی داشته باشد.

1. Stop-go Growth Cycles

2. Leave Behind

نگاهی به تحولات سیاسی دو دهه گذشته کشورهای در حال توسعه، نگرانی پیش‌گفته را بیشتر می‌سازد، در کشورهای منطقه خاورمیانه پارادوکس رشد (هم‌زمانی رشد اقتصادی و بی‌ثباتی سیاسی) همراه با وقوع بهار عربی به صورت جدی مطرح شده است. به صورت مشخص، تونس در حالی پیشگام وقوع انقلاب‌های عربی شد که نرخ رشد متوسط ۴ درصدی را در یک دهه پیش از آن تجربه کرده بود. (Hakimian, 2016) به نظر می‌رسد رشد اقتصادی این کشورها غیرفقرزدا (Armah et al., 2014) یا غیراشتغال‌زا (Arezki and Nabli, 2012) بوده است یعنی صرفه‌های رشد اقتصادی همگان را دربرنگرفته و به صورت نابرابر در جامعه توزیع شده است. شاید بتوان نتیجه‌گیری صندوق بین‌المللی پول که در بلندمدت رشد پایدار پیوند معناداری با نابرابری کمتر دارد (Berg and Jonathan, 2011) را یکی از مهم‌ترین بازنگری‌ها در این ارزیابی‌های تجربی دانست. همین مشاهده‌های تجربی و بازبینی‌ها مبنای معرفی توسعه فراگیر شده است.

توسعه فراگیر را با سه تحول می‌توان توضیح داد: از زاویه توزیع مواهب رشد، توسعه فراگیر در امتداد رشد فقرزدا^۱ و رشد فراگیر^۲. در رشد فقرزدا کوشش فقرزدایی و اثر آن بر فقرا مورد توجه بود (Kakwani and Pernia, 2000)، رشد فراگیر با عبور از فقر و فقرا به نابرابری درون جامعه، نحوه توزیع مواهب رشد میان همه آحاد جامعه را مورد توجه قرار می‌دهد (Ali and Zhang, 2007). در امتداد این دو رویکرد، توسعه فراگیر اولاً با بسط مواهب اجتماعی از تمرکز بر بعد درآمدی به دربرگرفتن ابعاد غیردرآمدی (مانند آموزش و سلامت) رویکردی فراگیرتر به ابعاد توسعه دارد، ثانیاً با دربرگرفتن نحوه توزیع مواهب توسعه در ابعاد غیردرآمدی، از نحوه توزیع مورد توجه در رشد فراگیر فراتر می‌رود

1. Pro-poor Growth

2. Inclusive Growth

(Rauniyar and Kanbur, 2010).

علاوه بر آن، توسعه فراگیر از منظر تولیدی با بنیة تولیدی یک جامعه گره خورده است. یونیدو در گزارشی با عنوان «تقاضا برای تولید صنعتی: پیشبرد توسعه صنعتی پایدار و فراگیر» (Unido, 2017)، فراگیری را به این معنا می‌داند که توسعه صنعتی همه کشورها و همه مردم و همچنین بخش خصوصی، سازمان‌های جامعه مدنی، مؤسسه‌های توسعه چندملیتی و تمام قسمت‌های سیستم سازمان ملل را شامل شود و فرصت‌های برابر و توزیع عادلانه مزایای صنعتی‌سازی برای همه ذی‌نفعان را به دنبال آورد. در این چارچوب توسعه صنعتی فراگیر و پایدار به معنای صنعتی شدن همراه با توزیع عادلانه منافع و عدم تخریب محیط زیست است. بنابراین تقویت بنیة تولیدی در کانون توسعه فراگیر قرار دارد. درنهایت تمایز سوم میان رشد و توسعه فراگیر را می‌توان عدم محوری بودن رشد اقتصادی در بررسی تحولات اقتصادی-اجتماعی جوامع در مطالعات توسعه فراگیر دانست. به تعبیر دیگر، ابعادی مانند سلامت، آموزش، همبستگی اجتماعی، محیط زیست حکمرانی و ... در مطالعات توسعه فراگیر دارای ارزش ذاتی^۲ هستند، نه ارزش ابزاری^۳ یعنی اهمیت آنها مستقل از تأثیری که بر رشد می‌گذارند مورد توجه است. (Rauniyar and Kanbur, 2010) این تفاوت تلقی وقتی از زاویه سیاستگذاری در برنامه‌های توسعه مطرح شود می‌تواند منشأ سیاستگذاری‌های متفاوت باشد.

برنامه‌ریزی توسعه در ایران سابقه‌ای طولانی دارد، اولین برنامه توسعه در ایران بیش از ۷۰ سال پیش تدوین شد (توفیق، ۱۳۸۵: ۲۰)، از آن زمان تاکنون ایران شاهد پنج برنامه عمرانی پیش از انقلاب و ۶ برنامه توسعه پس از انقلاب بوده است. از میان

1. Demand for Manufacturing: Driving Inclusive and Sustainable Industrial Development

2. Intrinsic Value

3. Instrumental Value

برنامه‌های عمرانی پیش از انقلاب، دو برنامه اول به صورت کلی مجموعه‌ای از پروژه‌های عمرانی (زیرساختی) بوده و هدف‌گذاری اقتصادی-اجتماعی را در دستور کار نداشتند، در مقابل سه برنامه بعدی اگرچه به صورت جامع طراحی شده و رشد اقتصادی را هدف قرار داده بودند اما اساساً برنامه‌هایی با محوریت حداکثر ساختن رشد اقتصادی بوده و کمترین توجه را به مسئله فقر و نابرابری داشتند. وضعیت بسیار بد نابرابری در دهه ۵۰ شمسی (رسیدن ضریب جینی به ۰/۵۰۲ در سال ۱۳۵۴) و فقر گسترده (قرار داشتن بیش از ۴۰ درصد جمعیت زیر خط فقر) در حالی که کشور برای دو دهه شاهد رشد دو رقمی بود، خبر از فرایند توسعه غیرفراگیر در برنامه‌های پیش از انقلاب می‌دهد (هادی‌زنوز، ۱۳۸۴). وقوع انقلاب و تأکید قانون اساسی پس از انقلاب بر لزوم برطرف ساختن فقر و محرومیت و گسترش عدالت اجتماعی را می‌توان شاهدی بر لزوم توجه به توسعه فراگیر در برنامه‌های توسعه دانست.

بنابراین یک تفاوت مهم برنامه‌ریزی توسعه پس از انقلاب با برنامه‌های توسعه پیش از انقلاب را می‌توان تلاش برای تصحیح عدم تعادل‌های اجتماعی ناشی از برنامه‌های پیش از انقلاب عنوان کرد. البته طراحی برنامه توسعه در پایان جنگ، موجب شد تا تلاش برای بازسازی در کانون تمرکز برنامه اول قرار داشته و موضوع‌های مربوط به عدالت اجتماعی در رتبه‌های بعدی قرار گیرد. با این وجود، وقوع بعضی پیامدهای ناخواسته مانند جهش بدهی خارجی و تورم و نیز تجربه برخی بی‌ثباتی‌ها در کشور موجب شد تا موضوع عدالت اجتماعی در صدر اهداف برنامه دوم قرار گیرد.

در سه برنامه توسعه بعدی نیز می‌توان نوعی نوسان جهت‌گیری برنامه‌ها میان تقدم موضوع‌های مربوط به رشد یا موضوع‌های فراگیری را مشاهده کرد، یعنی در حالی که برنامه سوم با محوریت «اصلاحات ساختاری» و برنامه چهارم با «رشد دانایی محور» تقدم را بر

رشد گذاشته بودند، برنامه پنجم با خوانشی بسیار متفاوت از توسعه، فصل مربوط به «فرهنگ اسلامی-ایرانی» را در صدر برنامه و موضوع‌های مربوط به رشد را در فصل پنجم برنامه قرار داده است (رجب‌پور، ۱۳۹۵؛ هادی‌زنوز، ۱۳۸۹).

به‌طورکلی می‌توان گفت موضوع تطبیق اهداف توسعه و فراگیری با یک صورتبندی نظری و جهت‌گیری مشخص در طراحی برنامه‌های توسعه همراه نبوده و شاهد حرکت‌های پاندولی در نگارش احکام برنامه بوده‌ایم. حال نگاه به عملکرد اقتصاد ایران در دوره اجرای این برنامه‌ها می‌تواند میزان موفقیت برنامه‌های توسعه در پیشبرد ابعاد گوناگون توسعه را بهتر نشان دهد.

۲. پیشینه تحقیق

در دو دهه اخیر، توجه به توسعه همراه با عدالت (توسعه فراگیر) موجب شده است تا تلاش‌های گوناگونی برای سنجش وضعیت صورت گیرد، در این بررسی‌ها ابعاد گوناگونی ذیل رشد و توسعه فراگیر تعریف شده و نتایج مختلفی به دست آمده است. این تحقیقات را می‌توان در دو قالب مدل‌سازی کمی (مبتنی بر ارزیابی‌های اقتصادسنجی) و شاخص‌سازی (مبتنی بر ساخت شاخص ترکیبی) دسته‌بندی کرد که در ادامه برخی تحقیقات داخلی و خارجی سنجش رشد و توسعه فراگیر معرفی شده است.

در مدل‌سازی‌های کمی، مطالعه رابطه نابرابری و رشد (برپایه ساخت توابع خرد به کلان) و سنجش تأثیر تغییر در منابع رشد (با لحاظ نحوه توزیع آن در جامعه) در دستور کار قرار گرفته است (Anand, Mishra and Peiris, 2013; Ali and Son, 2007; Suryanarayana, Venini and Murtin, 2016). اما کاستی این تحقیقات در پوشش دادن تنوع سرریزهای رشد و ماهیت پیچیده نابرابری در حوزه‌های گوناگون موجب شده است تا تحقیقات دیگر

از رویکرد ساخت شاخص ترکیبی برای سنجش رابطه نابرابری و رشد بهره‌گیری کنند. در تحقیقات مبتنی بر شاخص سازی، سنجش رشد یا توسعه فراگیر از طریق ترکیب ابعاد گوناگون توسعه انجام گرفته است. در این زمینه مک‌کینل ساخت شاخص رشد فراگیر را با ترکیب ابعاد: ۱. رشد، اشتغال بهره‌ور (مولد) و زیرساخت‌های اقتصادی، ۲. فقر درآمدی و برابری (شامل برابری جنسیتی)، ۳. قابلیت‌های انسانی و ۴. حمایت اجتماعی تهیه کرده است (McKinley, 2010). بانک توسعه آسیایی^۱ رشد فراگیر را برپایه سه بعد: ۱. رشد سریع، مؤثر و پایدار، ۲. فراگیری اجتماعی و ۳. شبکه تأمین اجتماعی تعریف می‌کند (ADB, 2011). بانک توسعه آفریقایی^۲ نیز پنج بعد: رشد اشتغال مولد، فراگیری اجتماعی، برابری فضایی، برابری بین نسلی و فراگیری سیاسی را برای ساخت شاخص رشد فراگیر مورد استفاده قرار داده است (Hakimian, 2016). مجمع جهانی اقتصاد نیز از طریق تهیه شاخصی که هفت حوزه اصلی و ۱۵ زیرحوزه را دربرمی‌گیرد، شاخص را براساس سه بعد اصلی: ۱. رشد و توسعه، ۲. فراگیری و ۳. برابری (نتایج) بین نسلی و پایداری محاسبه کرده است (WEF, 2017). این گزارش شاخص به دست آمده را «شاخص رشد و توسعه فراگیر» نامیده است. همچنین این نهاد در گزارش دیگری (۲۰۱۸) با برآورد شاخصی مرکب از سه بعد اصلی یعنی رشد و توسعه، فراگیری و برابری بین نسلی در قالب دوازده متغیر به برآورد شاخص «توسعه فراگیر»^۳ اقدام کرده است.

این گزارش‌ها هرکدام با توجه به رویکرد خود تعدادی از ابعاد توسعه فراگیر را بررسی کرده‌اند، با این وجود هنوز برخی از ابعاد فراگیری مورد بررسی قرار نگرفته‌اند، به طور مثال فراگیری سیاسی (برابری عاملیت) صرفاً در کار بانک توسعه آفریقایی توجه شده است. همچنین این گزارش‌ها بر روندهای کوتاه و میان مدت (حداکثر ۱۰ سال) متمرکز شده و

1. Asian Development Bank (ADB)

2. African Development Bank (AFDB)

3. Inclusive Development Index (IDI)

روندهای بلندمدت را بررسی نکرده‌اند.

در تحقیقات داخلی، مطالعه‌ای دیده نمی‌شود که به برآورد توسعه فراگیر به روش تهیه شاخص ترکیبی پرداخته باشد با این وجود، به مانند تحقیقات خارجی، تحقیقات در زمینه مدل‌سازی کمی رشد فراگیر با شیوه‌های مختلف انجام شده است (نک: صادقی (۱۳۹۲)، پروین (۱۳۹۴)، میرجلیلی، چراغلو و صفری (۱۳۹۷)). این مطالعات نیز در برآورد ابعاد گوناگون فراگیری با کاستی‌های مشابه تحقیقات خارجی روبه‌رو بوده‌اند. با وجود آنکه در مطالعات داخلی مطالعه شاخص توسعه فراگیر وجود ندارد، اما تحقیقاتی که ابعاد رفاه اجتماعی را از طریق شاخص‌سازی دنبال کرده‌اند به شرح زیر است:

حسینی و جعفری صمیمی (۱۳۸۹) یک شاخص رفاهی مبتنی بر ترکیب ابعاد مصرف، ثروت، توزیع درآمد و امنیت اقتصادی را در دستور کار قرار داده‌اند، بررسی آنها با استفاده از تحلیل حساسیت، نشان می‌دهد تکیه بر درآمد ملی سرانه به عنوان شاخص رفاه، نرخ رشد رفاه را بیشتر از مقدار واقعی نشان داده و ارزیابی‌های رفاهی نیازمند شاخص‌های ترکیبی است. بختیاری، رنجبر و قربانی (۱۳۹۱) با استفاده از روش مشابه تحقیق قبلی، این شاخص را برای منتخبی از کشورهای اسلامی برآورد کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که با ارزیابی براساس شاخص ترکیبی رفاه، کشور جایگاه خوبی در میان همسایگان نداشته و ضرورت سیاستگذاری بیشتر احساس می‌شود.

صادقی شاهدانی، زاهدی وفا و قائمی اصل (۱۳۹۱) با تغییر ابعاد شاخص و تلاش برای تهیه شاخص ترکیبی توسعه انسانی (مبتنی بر آموزه‌های تمدن اسلامی) به این نتیجه رسیده‌اند که با ارزیابی براساس شاخص ترکیبی توسعه، عدم توازن در بهبود شاخص‌های توسعه در ایران نمایان شده و به‌ویژه در حالی که در بعد اقتصادی رفاهی عملکرد خوبی تجربه شده، در بعد کارایی سازمان‌های دولتی و نهادهای قانونگذاری، عملکرد بسیار

ضعیف بوده است.

عبدالله زاده و شریف زاده (۱۳۹۰)، در شاخص ترکیبی خود از برش منطقه‌ای (استان‌ها) برای یک سال (سال ۱۳۸۵) استفاده کرده و با بررسی سه گروه متغیر «اجتماعی، جمعیتی و فرهنگی»، «اقتصادی» و «زیرساختی و خدماتی» به نابرابری و عدم توازن شدید استان‌ها از نظر این متغیرها رسیده‌اند.

در نهایت کریمی موعاری و براتی (۱۳۹۵) بررسی نابرابری استان‌های ایران را با استفاده از تحلیل شاخص ترکیبی چندبعدی مورد توجه قرار داده‌اند. در بررسی آنها که برای دو سال ۱۳۸۰ و ۱۳۹۲ انجام شده، نتایج مشابهی با تحقیق قبلی به دست آمده و البته تحول وضعیت در زمینه شاخص‌هایی مانند سرمایه انسانی در مسیر نابرابری استانی مؤثر بوده است. به نظر می‌رسد ابعاد مختلف فراگیری در شاخص‌هایی که محققان مختلف در سال‌های گذشته در کشور تهیه کرده‌اند و تفاوت نتایج به دست آمده در مقایسه با ارزیابی براساس شاخص درآمد سرانه، اهمیت توجه فراگیر به ابعاد مختلف توسعه در ایران را نشان می‌دهد. با این وجود سه دسته کاستی‌ها را در تحقیقات داخلی و خارجی درباره توسعه فراگیر در ایران می‌توان شناسایی کرد:

اول اینکه این تحقیقات، به‌ویژه تحقیقات داخلی، بدون توجه به مبنای توسعه فراگیر، در برخی ابعاد توسعه فراگیر با کاستی‌هایی مواجه بوده‌اند، به‌طور مثال برابری بین نسلی، برابری عاملیت (فراگیری سیاسی) و برابری جنسیتی در این تحقیقات یا مورد توجه قرار نگرفته یا اهمیت بالایی به وضعیت آن داده نشده است.

دوم اینکه، در تحقیقات بین‌المللی، مقایسه‌های بین‌کشوری و مبتنی بر داده‌های نهادهای بین‌المللی موجب شده است ترسیمی که از روند تغییرات توسعه فراگیر در ایران ارائه شده لزوماً با مهم‌ترین ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی ایران و موضوع‌های دارای

اهمیت برای کشور انطباق نداشته باشد.

سوم اینکه، این تحقیقات عمدتاً بر تصویر مقطعی یا ارزیابی روندها در دوره‌های کوتاه تا میان مدت (حداکثر ۱۰ سال) تمرکز کرده و از ارزیابی‌های بلندمدت غفلت کرده‌اند. با توجه به اینکه مهم‌ترین سیاستگذاری‌ها برای بهبود وضعیت توسعه در کشور در طول برنامه‌های توسعه صورت گرفته است، این ارزیابی‌ها با دوره اجرای برنامه‌های توسعه پیوند نخورده و از این زاویه موضوع را مورد بررسی قرار نداده‌اند. با توجه به کاستی‌های بالا، در این تحقیق تلاش شده است تا با دربرگرفتن همه‌جانبه ابعاد و مؤلفه‌های مختلف توسعه فراگیر، تطبیق مؤلفه‌ها و گویه‌های ساخت شاخص با ویژگی‌ها و داده‌های در دسترس و بسط محدوده زمان بررسی به دوره اجرای پنج برنامه توسعه کشور ارزیابی دقیق‌تری نسبت به پیمایش‌های بین‌المللی و سایر تحقیقات داخلی از وضعیت فراگیری توسعه در ایران انجام شود.

۳. روش‌شناسی

استیگلیتز و همکاران شاخص‌های ترکیبی^۱ را به عنوان «یک داشبورد منتخب»^۲ توصیف کرده‌اند که تعداد زیادی از شاخص‌ها را به یک عدد یا نمره واحد انتقال داده و امکان مقایسه عملکرد هر کشور را در طول ابعاد مختلف فراهم می‌سازد (Stiglitz, Sen and Fitoussi, 2009). همچنین ساخت شاخص ترکیبی نیازمند رعایت اسلوب علمی و تناسب با متغیرهای مورد مطالعه است. در زمینه رویکرد علمی ساخت شاخص ترکیبی، محققان مختلف بسته به اهداف و ماهیت تحقیق خود الگوهای مختلفی را پیشنهاد داده‌اند اما جامع‌ترین آنها را سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه با عنوان «راهنمای ساخت شاخص‌های ترکیبی»

1. Composite Indicator

2. An Eclectic Dashboard

ارائه داده است (OECD, 2008) که در ادامه مراحل ساخت شاخص ترکیبی توسعه فراگیر با توجه به دستورالعمل یادشده تشریح می‌شود.

۳-۱. متغیرهای تحلیل

انتخاب ابعاد، مؤلفه‌ها و متغیرهای تحلیل با مبنا قرار دادن سه رویکرد ساخت شاخص ترکیبی توسعه فراگیر بانک توسعه آسیایی (ADB, 2011)، بانک توسعه آفریقایی (Hakimian, 2016) و مجمع جهانی اقتصاد (WEF, 2018)^۱ صورت گرفته است. اطلاعات مربوط به متغیرهای سه تحقیق در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. مقایسه ابعاد و مؤلفه‌های تحقیقات ساخت شاخص توسعه فراگیر

مجمع جهانی اقتصاد (۲۰۱۸)	بانک توسعه آفریقایی (۲۰۱۶)	بانک توسعه آسیایی (۲۰۱۱)
رشد و توسعه	رشد نیروی کار و اشتغال	بعد ۱: رشد و بسط فرصت‌های اقتصادی - رشد اقتصاد و اشتغال - دارایی‌های زیرساختی کلیدی
فراگیری	سلامت و ترکیب جمعیتی جنسیت همبستگی اجتماعی عرصه‌های فضایی	بعد ۲: مشارکت اجتماعی برای تضمین دسترسی برابر به فرصت‌های اقتصادی - دسترسی و بهره‌گیری از آموزش و سلامت - فرصت و برابری جنسیتی - دسترسی به امکانات و خدمات زیرساختی اساسی
برابری و پایداری بین نسلی	محیط زیست حکمرانی	بعد ۳: خدمات تأمین اجتماعی حکمرانی خوب و نهادها
	سیاسی	

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

1. World Economic Forum (WEF)

براساس مطالعات پیش گفته (جدول ۱)، در تحقیق حاضر، شاخصی با ۵ بعد و ۱۱ مؤلفه تهیه شده که به شرح زیر است:

رشد اقتصادی: شامل سه مؤلفه رشد اقتصادی، اشتغال و زیرساخت است. این سه مؤلفه نحوه افزایش (میانگین) رفاه در سطح جامعه، نحوه توزیع فرصت‌های افزایش رفاه و نحوه توزیع جغرافیایی دسترسی به این فرصت‌ها (زیرساخت‌ها) را در سطح جامعه بررسی کرده است.

توسعه اقتصادی: شامل سه مؤلفه رفع فقر، کاهش نابرابری و تحول ساختاری است. این بعد تحول کیفی همراه با رشد را در سطح جامعه و نحوه برخورداری گروه‌های مختلف از رفاه حاصل از رشد مورد بررسی قرار می‌دهد.

فراگیری اجتماعی: شامل مؤلفه‌های آموزش، سلامت و همبستگی اجتماعی می‌شود و این بعد، نحوه توزیع ابعاد غیردرآمدی رفاه را بررسی می‌کند.

پایداری: نحوه ارتباط با محیط زیست، به‌ویژه از زاویه فراگیری بین‌نسلی مورد توجه قرار گرفته است.

حکمرانی: در این بعد، وضعیت حکمرانی و برابری عاملیت (قابلیت شهروندان برای ابراز نظر و مشارکت در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیمات دولتی) به‌ویژه برای اقلیت‌ها مورد توجه قرار گرفته است. این تحقیق، روش سه مطالعه پیش‌گفته را با بسط دامنه زمانی و دربرگرفتن ابعاد محیط زیستی مؤلفه‌های تحول ساختاری و نابرابری‌ها در برش‌های توزیعی مانند نابرابری‌های جغرافیایی (استانی)، نابرابری‌های جنسیتی (وضعیت زنان) و نابرابری‌های نسلی (جوانان) تکمیل کرده است.

۲-۳. انتخاب داده

کمی کردن مفاهیمی مانند توسعه فراگیر که چندبعدی است، حداقل با سه دسته مشکل

روبه‌رو است:

■ اول اینکه یافتن داده‌های باکیفیت و صحیح به‌ویژه برای ارزیابی روندها در ایران با مشکل تغییر طبقه‌بندی‌ها و تغییر محتوای اعداد گزارش شده در بازه‌های چندساله روبه‌رو است.^۱

■ دوم اینکه بسیاری از داده‌ها که طی سال‌ها گزارش می‌شده‌اند به یکباره به‌ویژه در سالنامه‌های آماری حذف شده یا داده‌های دیگری جایگزین شده‌اند^۲، این موضوع با گذار از داده‌های سطح ملی به سطح منطقه‌ای (استانی) و محلی (شهر و روستا) هرچه بیشتر مصداق می‌یابد.

■ و سوم اینکه اثر شوک‌ها (مانند نوسانات نرخ ارز) بر اقتصاد ایران به‌گونه‌ای بوده که بعضاً به تغییر رفتار خانوارها، بنگاه‌ها و حتی دولت انجامیده است اما این تغییرات کیفی در هنگام گرفتن روند چندان گزارش نمی‌شود.^۳ با توجه به اینکه کمی‌سازی توسعه فراگیر نیاز بسیار زیادی به داده‌های باکیفیت به‌ویژه در سطح منطقه‌ای و محلی دارد که تحولات کیفی را نیز گزارش کند، این موضوع محدودیت جدی برای شاخص‌سازی محسوب می‌شود. با وجود کاستی‌های موجود در داده‌ها، برای تحلیل مؤلفه‌های تحقیق، از چند منبع آماری استفاده شد که عبارتند از: پایگاه‌های داده‌های جهانی (بانک جهانی)^۴، مرکز

۱. به‌طور مثال گزارش نرخ بیکاری با تغییر تعریف آن پس از سال ۱۳۸۴ به‌طور کل با سال‌های پیش از آن متفاوت شده است، یا در مورد نرخ تورم، اعداد مربوط به نرخ تورم پس از سال ۱۳۹۲ با سال پایه ۱۳۹۰ محاسبه شده و برخلاف دوره‌های قبل، سال پایه ۱۳۸۳ برای سال‌های بعد به‌عنوان نرخ قابل مقایسه دیگر محاسبه نشده است.

۲. به‌طور مثال داده‌های مربوط به پرونده‌های قضایی از سال ۱۳۹۲ به بعد گزارش نشده و کلاً جدول مربوط به آن بعد از دو سال که با اعداد صفر همراه بود، از سالنامه آماری حذف شده است.

۳. به‌طور مثال در داده‌های اشتغال، بسته به اینکه اشتغال در کدام بخش ایجاد شده و اینکه درون بنگاه‌های بزرگ رخ داده (کارمزدی) یا محتوای خوداشتغالی و کار غیررسمی داشته، ارزیابی بسیار متفاوتی می‌توان از موضوع داشت که این تفاوت‌های کیفی در داده‌های تجمیع شده اشتغال خود را نشان نمی‌دهد.

4. databank.worldbank.org

حفظ محیط زیست،^۱ مرکز صلح نظام مند^۲ و خانه آزادی^۳، پایگاه داده‌های مرکز آمار (سالنامه‌های آماری و سرشماری‌ها از ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۵) و نیز داده‌های بانک مرکزی. با تلخیص داده‌های مختلف، در مجموع ۱۱۶ متغیر برای دوره مورد نظر گردآوری شد که سپس با حذف متغیرهایی که تعداد زیادی داده‌های گمشده بودند، ۸۳ متغیر به دست آمد که با حذف متغیرهای مشابه (جلوگیری از محاسبه چندباره یک متغیر) ۳۳ متغیر به دست آمد. جدول ۲ این ابعاد، مؤلفه‌ها و متغیرها را نشان داده است.

جدول ۲. ابعاد، مؤلفه‌ها و متغیرهای تحقیق

متغیرها	مؤلفه	بعد
درآمد سرانه داخلی (دلار ثابت ۲۰۱۰) (Y) / رشد درآمد سرانه (درصد سالیانه) (YPG)	رشد	رشد اقتصادی
بیکاری کل (جمعیت ۱۰ سال و بیشتر) (UE) / بیکاری جوانان (درصد از کل نیروی کار ۱۵-۲۴ ساله) (UEY) / نرخ مشارکت (LP) / اشتغال آسیب‌پذیر (درصد از اشتغال) (LH) / کارفرمایان زن (درصد از نیروی مزد و حقوق‌بگیر زن) (WEM)	اشتغال	
میزان رشد خطوط ریلی (GRO) / سرانه راه کشور (RO) / پراکندگی (ضریب تغییرات) راه در کشور (RV)	زیرساخت	
سهم ارزش افزوده محصولات کشاورزی (درصد از GDP) (AGR) / سهم ارزش افزوده محصولات صنایع ساخت (درصد از GDP) (INR) / تنوع محصولات صادراتی (VPX)	تحول ساختاری	توسعه اقتصادی
شاخص تورم (INF) / نسبت هزینه غیرخوراکی (به جز بهداشت و اجاره) به خوراکی در مناطق شهر (CC) / بار تکفل (CINV)	فقر	
ضریب جینی (BU) / سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین (GN) / شکاف (نسبت) درآمد سالیانه خانوار شهری و روستایی (GUR)	نابرابری درآمدی	

1. World Environment Center
2. Polity Iv Project
3. Freedom House

متغیرها	مؤلفه	بعد
سرانه تخت در کشور (BE) / ضریب تغییرات (پراکندگی) پزشک عمومی در استان‌ها (PPHV) / واکسیناسیون علیه دیفتی، سیاه سرفه، کزاز (درصد از کودکان ۱۲-۲۳ ماهه) (VD) / ریسک مرگ‌ومیر مادران (WDP)	سلامت	فراگیری اجتماعی
نرخ دانش‌آموز به معلم، ابتدایی (PTPR) / نرخ دانش‌آموز به معلم، متوسطه (PTME)	آموزش	
قتل (سرانه کشوری - به‌ازای هر ۱۰۰ هزار نفر) (MUR) / خودکشی (سرانه شهری - به‌ازای هر ۱۰۰ هزار نفر) (SR)	همبستگی اجتماعی	
انتشار CO ₂ / سهم انرژی تجدیدپذیر از کل انرژی (EE) / مساحت آتش‌سوزی مراتع و جنگل‌ها (به کل مناطق تحت نظارت سازمان محیط زیست) (JUF)	حفاظت محیط زیست	پایداری
سهم کرسی‌های اشغال شده به‌وسیله زنان در پارلمان (WEL) / شاخص آزادی خانه آزادی (FRI) / وضعیت سیاسی (PO)	توزیع قدرت	حکمرانی

مأخذ: همان.

۳-۳. نحوه جایگزین کردن داده‌های مفقود

افتادگی و فقدان داده‌ها یکی از مشکلات رایج در تهیه شاخص‌های ترکیبی است که روش‌های مختلفی برای جایگزین کردن داده‌های مفقود وجود دارد. با توجه به ماهیت داده‌ها، دو روش حذف و جایگزینی مورد استفاده قرار گرفت. در متغیرهایی که با داده‌های گمشده زیاد روبه‌رو بودند، روش حذف و در متغیرهایی که تعداد کمی داده گمشده داشتند، با استفاده از رگرسیون داده‌ها، داده‌های گم شده جایگزین شدند.

۳-۴. نحوه نرمال سازی

در این تحقیق، با توجه به موضوع بررسی روند متغیرهای یک کشور، روش حداقل - حداکثر^۲

1. Political Regime Characteristics and Transitions (Poility IV)

2. Min-Max

مورد استفاده قرار گرفته است. این روش داده‌ها را برحسب بهترین و بدترین عملکرد طی دوره به اعدادی بین صفر و یک تبدیل می‌کند. فرمول دوم برای معکوس کردن نتایج مؤلفه‌هایی مانند فقر است.

$$Z_i = \frac{x_i - x_{min}}{x_{max} - x_{min}}$$

$$Z_i = 1 - \frac{x_i - x_{min}}{x_{max} - x_{min}}$$

۳-۵. تحلیل کیفیت داده‌ها

در این بخش با استفاده از ماتریس همبستگی پیرسون^۱ ساختار روابط متغیرها بررسی شده است.^۲ این ماتریس براساس مقایسه‌های زوجی متغیرها بنا شده و نتیجه آزمون به صورت یک ماتریس مثلثی به دست می‌آید که میزان شباهت تغییرات متغیرها با یکدیگر را به دست می‌دهد.

$$\rho(X.Y) = r_{xy} = \frac{COV(x.y)}{\sigma_x \sigma_y}$$

نتیجه آزمون همبستگی پیرسون در جدول ۵ آمده است. همچنانکه در این جدول مشخص است، برخی حوزه‌ها مانند ارزش افزوده تولیدات کارخانه‌ای و تنوع محصولات صنعتی دارای رابطه منفی قوی با برخی متغیرهای اجتماعی مانند ریسک مرگ و میر مادران هستند و می‌توان نوعی واگرایی میان تحولات توسعه صنعتی و توسعه اجتماعی را از همین جا تشخیص داد.

1. Pearson Correlation Coefficient

۲. در بررسی همبستگی پیرسون، وزن همه متغیرها با یکدیگر مساوی فرض می‌شود.

۳-۶. نحوه تجمیع و وزن دهی

روش‌های مختلفی برای وزن دهی متغیرها وجود دارد اما یکی از پرکاربردترین روش‌های تجمیع، روش وزن برابر است. این روش هنگامی که اجماعی بر سر وزن مطلوب هر یک از زیربخش‌ها وجود ندارد اتخاذ شده و مزیت آن پرهیز از قضاوت شخصی در وزن دهی به متغیرهاست (کمیسون^۱، ۲۰۰۸). بعد از وزن دهی، شاخص‌ها باید با یکدیگر تجمیع شوند، در تحقیق حاضر تجمیع حسابی مورد استفاده قرار گرفته است که اجازه می‌دهد عقب‌ماندگی در یکی از زیربخش‌های شاخص، با بهبود در بخش دیگری جبران شده و عملکرد کلی دوره‌ها بیشتر مقایسه شود. برپایه روش وزن دهی و تجمیع اتخاذ شده مدل جبری تحقیق به شرح زیر است:

$$IDI = \sum (EG \ ED \ SI \ S \ G)$$

$$EG = 0.05(y + ypg + gro + ro + rv) + 0.02(ue + uev + lp + lh + wem)$$

$$ED = 0.05(agr + inr + vpx + gn + gur) + 0.025(inf + cc + cinv + bu + wem)$$

$$SI = 0.05(be + pphv + vd + wdp + ptpr + ptme + mur + sr)$$

$$S = 0.05(co2 + ee + juf)$$

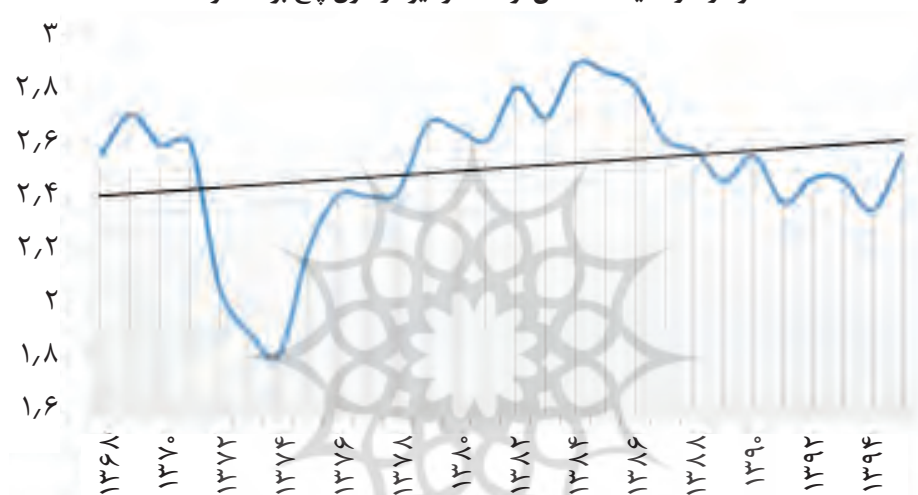
$$G = 0.033(wel + fri + po)$$

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۴. یافته‌ها

روند تغییرات شاخص توسعه فراگیر در اجرای پنج برنامه توسعه اول تا پنجم (۱۳۶۸-۱۳۹۵) در نمودار ۱ آمده است.

نمودار ۱. وضعیت شاخص توسعه فراگیر در طول پنج برنامه توسعه



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

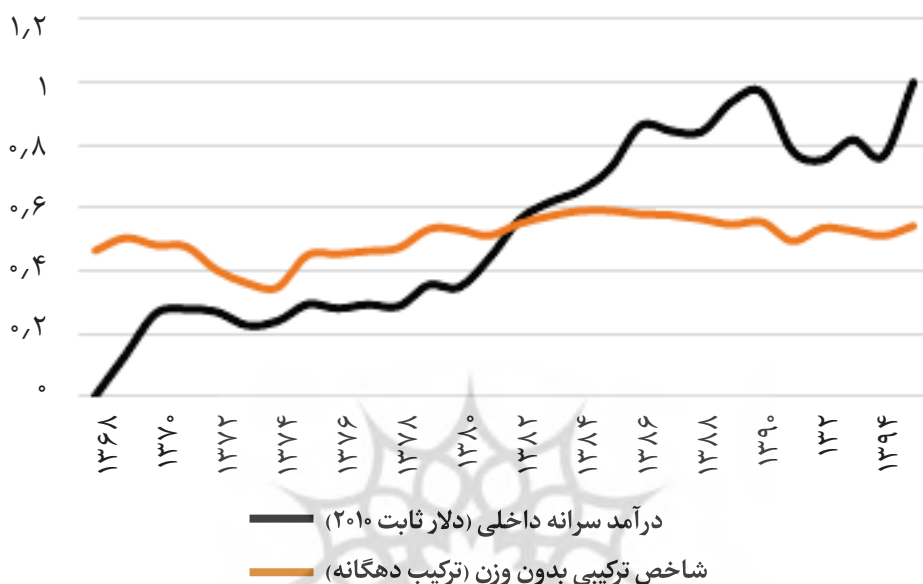
نمودار ۱ بیانگر آن است که روند شاخص توسعه فراگیر در برنامه‌های توسعه بهبود یافته است اما این بهبود، برخلاف انتظار، قابل توجه نبوده است. با نگاه به نمودار بالا، می‌توان سه دوره را در این نمودار مشخص کرد:

۱۳۷۴-۱۳۷۰: پس از دو سال بهبود توسعه فراگیر، این دوره نزولی شده است. در این دوره عواملی مانند رشد نرخ بیکاری، کاهش نرخ مشارکت، نرخ بالای تورم، کاهش تنوع محصولات صادراتی و کاهش کیفیت خدمات درمانی و آموزشی در مقابل بهبود درآمد سرانه

و بهبود زیرساخت‌ها، در مجموع روندی نزولی را در توسعه فراگیر ایجاد کرده‌اند. در این دوره، می‌توان گفت نگاهی کاملاً یک‌سویه و متمرکز بر رشد بر اقتصاد ایران حاکم بوده است. ۱۳۸۴-۱۳۷۴: در این دوره، عواملی از قبیل بهبود درآمد سرانه، بهبود نرخ مشارکت، بهبود زیرساخت‌ها، کنترل تورم، بهبود بار تکفل، بهبود کیفیت خدمات درمانی و آموزشی و بهبود متغیرهای آزادی و حکمرانی در مقابل افزایش نرخ بیکاری، افزایش اشتغال آسیب‌پذیر، بدتر شدن نابرابری، بدتر شدن متغیرهای اجتماعی قتل و خودکشی و افزایش تخریب محیط زیست، بهبود توسعه فراگیر را به دنبال داشته‌اند. در این دوره، رشد با فراگیری بیشتری دنبال شده است، اما به فراگیری رشد، یعنی رشد اشتغال‌زا و کیفیت آن (کاهش اشتغال آسیب‌پذیر)، نابرابری و پایداری توجه نداشته و در واقع رشد با فراگیری کمی همراه بوده و فرایند توسعه، شکننده بوده است.

۱۳۹۴-۱۳۸۴: در این دوره تضعیف نرخ رشد درآمد، بدتر شدن نرخ مشارکت، افزایش بیکاری جوانان، کاهش بهبود زیرساخت‌ها، افزایش تورم، کاهش سهم تولیدات صنعتی و کاهش تنوع محصولات صادراتی، تداوم تضعیف سرمایه اجتماعی، تخریب محیط زیست و بدتر شدن کیفیت حکمرانی در مقابل بهبود خدمات درمانی و آموزشی، روندی نزولی را در توسعه فراگیر ایجاد کرده‌اند. به تعبیر دیگر، مجموعه‌ای از پیامدهای بیماری هلندی را در قالب توسعه غیرفراگیر را در عین بهبود خدمات درمانی و آموزشی، در این دوره می‌توان نشان داد.

نمودار ۲. مقایسه روند تحولات درآمد سرانه و توسعه فراگیر در پنج برنامه



مأخذ: همان.

نمودار ۲ نشان می دهد درحالی که روندها بیانگر بهبود درآمد سرانه طی زمان است، روند شاخص توسعه فراگیر، به ویژه در برنامه های چهارم و پنجم توسعه، نزولی بوده است. با مقایسه دو روند بالا می توان نتیجه گرفت که دستاوردهای توسعه فراگیر برگشت پذیر بوده و به ویژه در دو برنامه قبلی، فاصله میان دستاوردهای مادی توسعه (تحولات درآمد سرانه) و توسعه فراگیر هرچه بیشتر افزایش پیدا کرده است.

۴-۱. توسعه فراگیر طی برنامه های توسعه

در سال های پس از انقلاب اجرای برنامه های توسعه با اهدافی از قبیل بهبود رفاه اقتصادی و اجتماعی و رفع عقب ماندگی همراه بوده است. با توجه به اینکه اجرای پنج برنامه توسعه

تاکنون به پایان رسیده است، باید دستاوردهای این برنامه‌ها را مورد بررسی قرار داد. در نمودار ۳ وضعیت مؤلفه‌های مختلف شاخص توسعه فراگیر در اجرای برنامه‌های توسعه بررسی شده است. گفتنی است با مشکلاتی که پس از اجرای برنامه اول توسعه پیش آمد، تصویب برنامه دوم توسعه برای یک سال به تعویق افتاده و کشور در سال ۱۳۷۳ فاقد برنامه بود، همچنین در برنامه‌های توسعه چهارم و پنجم، به دلیل عدم تصویب لایحه برنامه در زمان مقرر، با تمدید برنامه، سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۵ به عنوان سال آخر برنامه مطرح شد. این ملاحظات در نمودار لحاظ شده است.

نمودار ۳. وضعیت مؤلفه‌های توسعه فراگیر در برنامه‌های توسعه



مأخذ: همان.

همچنانکه در نمودار ۳ مشخص است، توسعه کشور طی اجرای برنامه‌های توسعه

همراه با بهبود همه مؤلفه‌ها نبوده و به‌ویژه عملکرد اقتصاد ایران مقارن با برنامه پنجم توسعه همراه با تضعیف دستاوردها در زمینه تحول ساختاری، توزیع قدرت، ایجاد زیرساخت و همبستگی اجتماعی بوده است. همچنین باید تأکید کرد که بالا بودن نتایج برنامه اول در زمینه حفظ محیط زیست و همبستگی اجتماعی به دلیل عملکرد نزولی در اجرای برنامه‌های توسعه بوده است.

یک نکته مهم در این بخش، تحولات مؤلفه اشتغال است، به دلیل تغییر تعریف اشتغال از سال ۱۳۸۴، مقادیر متغیر در برنامه‌های چهارم و پنجم با نوعی جهش روبه‌رو شده است درحالی‌که از منظر اشتغال‌زایی، در این دوره اقتصاد ایران با اشتغال‌زایی جدی روبه‌رو نبوده و درحالی‌که بیشترین اشتغال‌زایی در بازه ۱۳۸۵-۱۳۳۵ عمدتاً در بخش خدمات و از جمله واحدهای صنفی توزیعی بوده و تعداد واحدهای توزیعی در کشور ۲۰ برابر میانگین جهانی است، در بازه ۱۳۹۰-۱۳۸۵، بخش فعالیت‌های غیرقابل طبقه‌بندی (یا انگلی) بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است (مومنی، ۱۳۹۴: ۱۰-۹) بنابراین شاهد کاهش کیفیت همان اشتغال موجود نیز بوده‌ایم.

جدول ۳. وضعیت متغیرهای توسعه فراگیر در برنامه‌های توسعه (۱۳۶۸-۱۳۹۵)^۱

۱۳۹۵-۱۳۹۰	۱۳۸۹-۱۳۸۴	۱۳۸۳-۱۳۷۹	۱۳۷۸-۱۳۷۴	۱۳۷۲-۱۳۶۸	گویه (متغیر)
۰/۸۵	۰/۸۱	۰/۴۶	۰/۲۸	۰/۱۹	درآمد سرانه داخلی (دلار ثابت ۲۰۱۰)
۰/۴۵	۰/۵۵	۰/۶۲	۰/۴۶	۰/۶۵	رشد درآمد سرانه
۰/۵۶	۰/۵۵	۰/۳۴	۰/۵	۰/۴۱	بیکاری کل (جمعیت ۱۰ سال و بیشتر)
۰/۴۹	۰/۷۵	۰/۴۷	۰/۱۸	۰/۵	نرخ مشارکت
۰/۲۴	۰/۴۴	۰/۵	۰/۷۹	۰/۷۹	بیکاری جوانان

۱. اعداد متوسط دوره پس از نرمال‌سازی است.

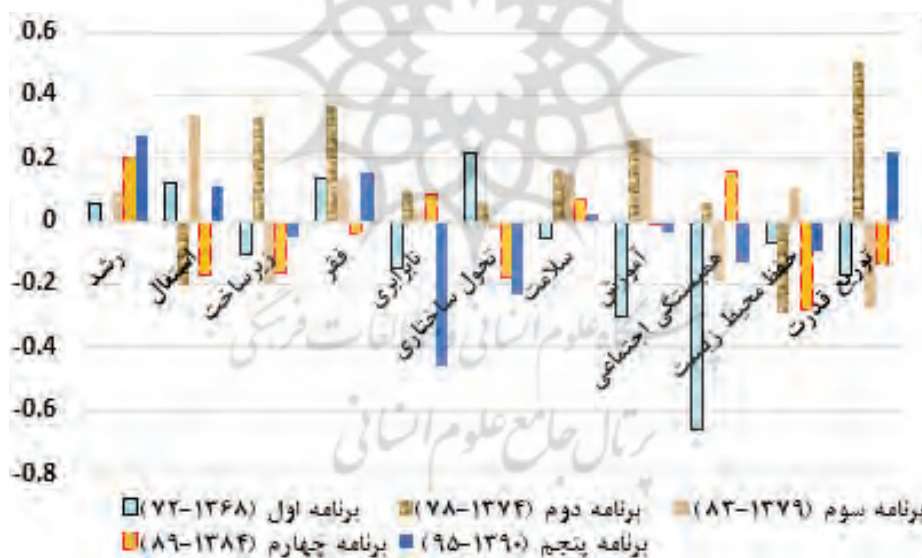
گویه (متغیر)	-۱۳۶۸ ۱۳۷۲	-۱۳۷۴ ۱۳۷۸	-۱۳۷۹ ۱۳۸۳	-۱۳۸۴ ۱۳۸۹	-۱۳۹۰ ۱۳۹۵
اشتغال آسیب‌پذیر	۰/۲۷	۰/۲۴	۰/۲۲	۰/۶	۰/۹
کارفرمایان زن	۰/۰۳	۰/۱۹	۰/۲۵	۰/۱۹	۰/۶
میزان رشد خطوط ریلی	۰/۲۲	۰/۳۸	۰/۳۹	۰/۵۴	۰/۲۴
سرانه راه کشور	۰/۵۳	۰/۶۴	۰/۵۱	۰/۰۳	۰/۱۵
پراکندگی (ضریب تغییرات) راه در کشور	۰/۳۴	۰/۵۷	۰/۸	۰/۸۶	۰/۸۸
شاخص تورم	۰/۷۳	۰/۵۴	۰/۸۴	۰/۸۳	۰/۶۸
نسبت هزینه غیرخوراکی (به جز بهداشت و اجاره) به خوراکی (مناطق شهری)	۰/۵	۰/۵۸	۰/۸۳	۰/۹۳	۰/۶۴
بار تکفل	۰/۱۴	۰/۳۸	۰/۷۳	۰/۹۱	۰/۸۷
ضریب جینی	۰/۴۸	۰/۴۴	۰/۲۹	۰/۵۵	۰/۶
سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین	۰/۲۳	۰/۴۵	۰/۴	۰/۶۳	۰/۷۵
شکاف درآمد خانوار روستایی و شهری	۰/۴۱	۰/۵۶	۰/۴۳	۰/۴	۰/۴۱
ارزش افزوده بخش کشاورزی	۰/۳	۰/۴۷	۰/۷۶	۰/۸۷	۰/۶۷
ارزش افزوده تولیدات کارخانه‌ای	۰/۵	۰/۸۷	۰/۷۶	۰/۴۲	۰/۳۳
تنوع محصولات صادراتی	۰/۸۶	۰/۵۱	۰/۴۴	۰/۴۸	۰/۱۷
واکسیناسیون علیه دیفتی، سیاه سرفه، کزاز	۰/۵۵	۰/۹۸	۰/۹۵	۰/۹۲	۰/۹۷
ریسک مرگ‌ومیر مادران	۰/۲۵	۰/۷۳	۰/۹۲	۰/۹۸	۱
سرانه تخت در کشور	۰/۱۱	۰/۱۷	۰/۳۵	۰/۰۱	۰/۲۴
پراکندگی استانی پزشک در کشور	۰/۶۴	۰/۴۸	۰/۵۲	۰/۴	۰/۴۱
نرخ دانش‌آموز به معلم، ابتدایی	۰/۱۵	۰/۱۸	۰/۶۸	۰/۸۷	۰/۵۲
نرخ دانش‌آموز به معلم، متوسطه	۰/۵۲	۰/۰۵	۰/۳	۰/۶۳	۰/۹۳
قتل (سرانه کشوری - هر ۱۰۰ هزار نفر)	۰/۶۹	۰/۳۹	۰/۲۹	۰/۱۹	۰/۲۳
خودکشی (سرانه شهری - هر ۱۰۰ هزار نفر)	۰/۶۵	۰/۲۷	۰/۲۵	۰/۳۵	۰/۳۹
انتشار Co2	۰/۹۳	۰/۶۴	۰/۳۹	۰/۳۸	۰/۱۲
سهم انرژی تجدیدپذیر از کل انرژی	۰/۸	۰/۴	۰/۱۸	۰/۵۹	۰/۴۴
مساحت آتش‌سوزی مراتع و جنگل‌ها	۰/۸۲	۰/۳۹	۰/۸۲	۰/۷۸	۰/۷۸
سهم کرسی‌های اشغال شده به وسیله زنان	۰/۱۹	۰/۵۷	۰/۶	۰/۵	۰/۵

گویه (متغیر)				
-۱۳۹۰ ۱۳۹۵	-۱۳۸۴ ۱۳۸۹	-۱۳۷۹ ۱۳۸۳	-۱۳۷۴ ۱۳۷۸	-۱۳۶۸ ۱۳۷۲
۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۲	۰/۷
۰	۰/۰۷	۰/۸۲	۰/۶۴	۰/۱
شاخص آزادی خانه آزادی				
وضعیت سیاسی				

مأخذ: همان.

جدول ۳ وضعیت متغیرها را طی برنامه‌های توسعه نشان می‌دهد. درحالی‌که در این جدول، وضعیت متغیر درآمد سرانه در دو برنامه اخیر بهتر از سایر دوره‌ها بوده است، از نظر متغیرهایی مانند رشد درآمد سرانه یا تنوع محصولات، وضعیت کاملاً متفاوت است.

نمودار ۴. تغییرات مؤلفه‌های توسعه فراگیر در برنامه‌های توسعه



مأخذ: همان.

نمودار ۴ تغییر مقادیر مؤلفه‌ها را در سال پایانی برنامه نسبت به سال آغازین برنامه نشان می‌دهد:

برنامه اول توسعه (۱۳۶۸-۱۳۷۲): در زمینه مؤلفه‌های رشد، اشتغال، کاهش فقر و ایجاد تحول ساختاری با عملکرد مثبت و در زیرساخت، نابرابری، سلامت، آموزش، همبستگی اجتماعی، حفظ محیط زیست و توزیع قدرت با عملکرد منفی همراه بوده است. می‌توان گفت اقتصاد ایران طی این برنامه شاهد توسعه غیرفراگیر بوده است.

برنامه دوم توسعه (۱۳۷۴-۱۳۷۸): در دوره این برنامه مؤلفه‌های زیرساخت، فقر، نابرابری، تحول ساختاری، سلامت، آموزش، همبستگی اجتماعی و توزیع قدرت بهبود یافته و در زمینه رشد، اشتغال و حفظ محیط زیست بهبود نیافته‌اند. نتایج نسبتاً متناقض این دوره را باید با در نظر گرفتن دو شوک کاهش درآمدهای نفتی (۱۳۷۷) و تحول سیاسی (۱۳۷۶) تحلیل کرد. در مجموع، این دوره به‌رغم تضعیف رشد، در سایر حوزه‌ها دستاوردهای نسبتاً خوبی داشته است.

برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۷۹): طی این برنامه وضعیت رشد، اشتغال، فقر، نابرابری، سلامت، آموزش و حفظ محیط زیست بهبود یافته اما وضعیت زیرساخت، تحول ساختاری، همبستگی اجتماعی و توزیع قدرت تضعیف شده است. این روندها با رشد درآمدهای نفتی به‌دست آمده‌اند.

برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۹-۱۳۸۴): این برنامه که به‌دلیل عدم تصویب برنامه بعدی در زمان مقرر با یک سال تمدید، شش‌ساله شد، شاهد بهبود رشد، نابرابری، سلامت و همبستگی اجتماعی بود اما در حوزه‌های اشتغال، زیرساخت، فقر، تحول ساختاری، محیط زیست و توزیع قدرت عملکرد اقتصاد ایران در این دوره منفی بوده است.

برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۵-۱۳۹۰): این دوره که هم‌زمان با وقوع تحریم‌ها و برجام بود، در سال پایانی برنامه (پس از برجام) وضعیت رشد، اشتغال، فقر، سلامت و توزیع قدرت بهبود یافته اما در زمینه زیرساخت، نابرابری، تحول ساختاری، همبستگی اجتماعی و حفظ

محیط زیست روندها بدتر شده است. در مجموع می‌توان گفت اقتصاد ایران طی دوره برنامه‌های دوم و سوم توسعه، در بخش عمده مؤلفه‌ها روند بهبود را تجربه کرده است، به طوری که برنامه دوم توسعه با وجود کاهش مؤلفه رشد، شاهد بهبود در هشت مؤلفه دیگر بوده و از این نظر بهترین عملکرد را داشته است، در حالی که سه برنامه اول، چهارم و پنجم شاهد دستاوردهای ضعیف بوده و مؤلفه‌های با تغییرات منفی در آنها بیشتر از مؤلفه‌های مثبت بوده‌اند. از منظر اهمیت نتایج، اینکه هر سه برنامه به نوعی شش ساله شده‌اند می‌تواند شاهد مهمی بر واقع‌نمایی شاخص توسعه فراگیر از ابعاد متنوع حیات جمعی ایرانیان باشد. نکته دیگر اینکه برنامه چهارم در حالی با صرفاً چهار مؤلفه با رشد مثبت، ضعیف‌ترین عملکرد را در کل برنامه‌ها داشته است که در این دوره روند رشد مثبت بوده است. بنابراین می‌توان گفت تمرکز بر نرخ رشد یا درآمد سرانه برای شناسایی تغییرات رخ داده در ابعاد گوناگون توسعه در ایران کافی نیست.

۲-۴. مؤلفه‌های تأثیر گذار

جدول ۶ ماتریس همبستگی میان مؤلفه‌های تحقیق با یکدیگر و با شاخص توسعه فراگیر را نشان می‌دهد. براساس یافته‌ها، رشد اقتصادی همبستگی بسیاری با (رفع) فقر و شاخص توسعه فراگیر دارد^۱، این در حالی است که مؤلفه‌های (رفع) فقر و آموزش بیشترین همبستگی را با شاخص توسعه فراگیر داشته و رشد اقتصادی در رتبه سوم همبستگی قرار دارد. (رفع) فقر همچنین همبستگی بالایی با آموزش دارد. همچنین متغیر سلامت و حفظ محیط زیست با یکدیگر نسبت قوی منفی دارند که شاید به این معنا باشد که

۱. معمولاً همبستگی کمتر از ۰/۳ را به عنوان همبستگی ضعیف (بی‌معنا)، همبستگی بین ۰/۳ و ۰/۷ را همبستگی متوسط (معنادار)، همبستگی بین ۰/۷ و ۰/۹ را همبستگی قوی و بیشتر از ۰/۹ را همبستگی بسیار قوی می‌نامند.

هم‌زمان با روندهای تخریب محیط زیست، دولت مجبور به سرمایه‌گذاری بیشتر بر سلامت شده است. این بررسی البته به معنای علیت نیست اما همچنین می‌تواند مبنایی برای بررسی‌های بیشتر در زمینه رابطه سیاست‌های اجتماعی و زیست‌محیطی و تأثیر این دو بر یکدیگر باشد.

یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که مؤلفه‌های رشد، اشتغال، نابرابری، آموزش همبستگی متوسط با یکدیگر داشته و تغییرات آنها تا حدی هم‌جهت است، در واقع می‌توان این‌طور نتیجه‌گیری کرد که افزایش رشد همان‌طور که تبیین‌های نظری و تحقیقات تجربی نشان می‌دهد، همه این متغیرها را تحریک خواهد کرد منتهی، در چارچوب این بررسی مشخص است که به جز بین رشد و آموزش، همبستگی بالایی بین این متغیرها برقرار نبوده و نمی‌توان همه تحولات حوزه‌های فقر و نابرابری و اشتغال را از رشد انتظار داشت.

نکته دیگر اینکه بسیاری از مؤلفه‌های توسعه فراگیر با وضعیت توزیع قدرت در ایران همبستگی داشته و همچنان‌که عملکرد برنامه دوم نشان می‌دهد، جایی‌که توزیع قدرت متوازن‌تر شده، عملکرد بسیاری از مؤلفه‌ها نیز بهبود یافته است. در این بررسی مؤلفه‌های زیرساخت، فقر، سلامت و شاخص توسعه فراگیر با بعد حکمرانی همبستگی دارند. بیشترین همبستگی در اینجا از آن مؤلفه زیرساخت است و با توجه به اینکه برش جغرافیایی نیز در توزیع زیرساخت منظور شده، بیانگر وجود همبستگی میان توزیع جغرافیایی مواهب توسعه (توسعه متوازن) و توزیع قدرت است. دست‌آخر اینکه مؤلفه تحول ساختاری پیوند ضعیف و منفی با اکثر مؤلفه‌های این شاخص دارد، در واقع می‌توان گفت دستاوردهای اجتماعی و اقتصادی توسعه همراه با وقوع توسعه صنعتی نبوده است. مشابَهت این وضعیت با روند دو مؤلفه حفظ محیط زیست و همبستگی اجتماعی بیانگر عدم تحقق تحول اقتصادی پایدار در برنامه‌های توسعه است. در ادبیات توسعه فراگیر بر این موضوع

تأکید شده است که رشدی که همراه با فراگیری نباشد، بخش‌هایی از جامعه را بیرون از فرایند توسعه باقی گذاشته و رشدی شکننده خواهد بود (ASEAN, 2007; Stiglitz, Sen and Fitoussi, 2009; Berg and Ostry, 2011). پیش از انقلاب نیز علاوه بر تأیید این هشدار، ضرورت بازنگری در سیاست‌های رشد در برنامه‌های توسعه اخیر، به ویژه برنامه هفتم توسعه را هرچه بیشتر می‌سازد.

۳-۴. سنجش استحکام مدل (تحلیل حساسیت)

در انتها برای سنجش استحکام باید حساسیت نتایج بررسی شود. به این منظور دو سناریو رشدگرا (با تأکید بر مؤلفه رشد اقتصادی) و سناریو برابری‌گرا (با تأکید بر سایر مؤلفه‌ها) مورد توجه قرار گرفته و نتایج در جدول ۴ خلاصه شده است.

جدول ۴. تفاوت نتایج در دو سناریو رشدگرا و برابری‌گرا

سناریو	برنامه اول	برنامه دوم	برنامه سوم	برنامه چهارم	برنامه پنجم
رشدگرا	-۱/۰٪	-۱/۵٪	۰/۱٪	۱/۹٪	۲/۴٪
برابری‌گرا	۰/۵٪	۰/۸٪	۰/۰٪	-۱/۰٪	-۱/۲٪

مأخذ: همان.

جدول ۴ نشان می‌دهد در سال‌های اخیر نتایج برنامه‌های توسعه در سناریو رشدگرا بهتر از سناریو برابری‌گرا بوده است. بنابراین می‌توان گفت تأکید بر رشد موجب بیش‌برآوردی توسعه فراگیر در ایران خواهد شد. همچنین افزایش واگرایی نتایج در پی تغییر اوزان نشان

۱. وزن مؤلفه رشد در سناریو اصلی (۰/۰۹) است، اما در سناریو رشدگرا، مؤلفه رشد اقتصادی با وزن دو برابر (۰/۱۸) و سایر مؤلفه‌ها با وزن کمتر (۰/۸۲) و در سناریو برابری‌گرا با وزن نصف (۰/۰۴۵) و سایر مؤلفه‌ها با وزن بیشتر (۰/۹۵۵) وارد شده‌اند.

می‌دهد که محاسبات به نحوه وزن دهی حساس بوده و در مورد نتیجه‌گیری از شاخص باید احتیاط کرد.

۴-۴. پیوند با مطالعات دیگر

در میان تحقیقات داخلی، بختیاری، رنجبر و قربانی (۱۳۹۱) در برآورد شاخص «رفاه اقتصادی» برای بازه ۲۰۰۷-۲۰۰۰ از بهبود شاخص خبر داده‌اند. این در حالی است که در مطالعه حاضر، سناریوی رشدگرا که وزن بیشتری به رشد و متغیرهای اقتصادی نسبت به سایر ابعاد توسعه فراگیر می‌دهد با نتایج آنها همخوان است اما شاخص توسعه فراگیر با گسترش توجه به سایر مؤلفه‌ها ارزیابی متفاوتی از روند تغییرات توسعه‌ای در بازه آن بررسی دارد. در واقع در دوره مورد مطالعه بختیاری، رنجبر و قربانی نتایج بررسی حاضر با نتایج مطالعه بانک توسعه آفریقایی (Hakimian, 2013, 2016) همخوانی دارد. این بانک در دو بررسی روی کشورهای منطقه منازجمله ایران به این نتیجه رسیده است که در نیمه دوم دهه ۲۰۰۰ عملکرد ضعیف‌تر بوده و همراه با جهش قیمت نفت، به رغم بهبود رشد اقتصادی در کشورهای نفتی این منطقه، وضعیت توسعه فراگیر آنها بدتر شده است. در تحقیق حاضر نیز مقایسه عملکرد دو برنامه توسعه سوم و چهارم بیانگر تضعیف بسیاری از مؤلفه‌های توسعه در دوره برنامه چهارم توسعه است.

با نگاه به شاخص توسعه فراگیر، این کاهش عملکرد را می‌توان به سه سازوکار در این دوره نسبت داد: اول اینکه رشد قیمت نفت باعث شده تا رشد اقتصادی بدون نیاز به تحولی در اقتصاد به دست آمده و در نتیجه بین عملکرد رشد اقتصادی و سایر مؤلفه‌های توسعه فراگیر در کشور فاصله ایجاد شود. دوم، روند تحولات اشتغال نشان می‌دهد، این رشد اقتصادی مشابه سایر کشورهای منطقه منازج (Arezki, 2012 and Nabli)

۱. در اکثر کشورهای آفریقایی در حالی که رشد چشمگیری در دهه گذشته رخ داده است، این رشد به ایجاد فرصت‌های کار شایسته اندکی

از مسیری غیرفراگیر رخ داده که همراه با اشتغال‌زایی بالایی (به خصوص برای جوانان) نبود^۱ (WB., 2004) و در نتیجه به‌رغم رشد، توسعه فراگیر تحقق نیافته است. سوم اینکه با وجود تأکید بسیار ادبیات رشد و توسعه فراگیر بر اهمیت توسعه زیرساخت‌ها (Rauniyar and Kanbur, 2010) این رشد همراه با توسعه زیرساخت‌ها (به‌ویژه در حوزه امکانات ارتباطی و بهداشتی) نبوده و زمینه‌ساز برابری فرصت بیشتر برای بخش‌های محروم و به حاشیه‌رانده شده جامعه نبوده است.

۵. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

استفاده از شاخص‌ها در اقتصاد برای به‌دست آوردن شناخت نسبت به وضع موجود و ردیابی روندها اهمیت دارد. شاخص توسعه فراگیر نیز شاخصی است که پس از چند بعدی دیدن توسعه و توجه به ابعاد توزیعی رفاه در جامعه، اهمیت یافته است. این شاخص می‌تواند موضوع پیوند «توسعه» و «برابری» را در هر دو وجه درآمدی (رشد اقتصادی) و غیردرآمدی (قابلیت‌ها و توانمندی‌ها) بررسی کرده و نوعی آسیب‌شناسی نسبت به روند توسعه ایجاد کند.

با توجه به اینکه در دوره پس از انقلاب، پنج برنامه توسعه با هدف ارتقای همه‌جانبه کیفیت زندگی ایرانیان و دستیابی به توسعه اجرا شده است، روند توسعه در ابعاد گوناگون آن در این دوره با استفاده از شاخص توسعه فراگیر مورد بررسی و آسیب‌شناسی قرار گرفت. این بررسی نشان می‌دهد:

منجر شده و با نابرابری‌های شدید در درآمد، ثروت و دسترسی به خدمات اجتماعی همراه بوده است (Nabli and Arezki, 2012).
 ۱. مجموع نیروی کار منطقه منا گسترش بیش‌بینی نشده‌ای را تجربه کرده است از ۱۰۴ میلیون کارگر در سال ۲۰۰۰ به تخمینی در حدود ۱۴۶ میلیون در سال ۲۰۱۰ و انتظار ۱۸۵ میلیون کارگر در سال ۲۰۲۰. با احتساب همه چیز، این منطقه تاکنون در خلق میلیون‌ها شغل مورد نیاز برای جذب این گسترش سریع نیروی کار شکست خورده است که منجر شده تا منطقه (منا) بالاترین نرخ بیکاری را در جهان تجربه کند (WB., 2004).

تحولات رخ داده در ابعاد مختلف توسعه در کشور بیشتر تحولاتی سطحی و کمی بوده و کمتر تحولات کیفی (مانند تحول ساختاری تولید، بهبود کیفیت کار، بهبود کیفیت زیرساخت‌ها یا بهبود همبستگی اجتماعی) را در برمی‌گیرد. واگرایی میان انتظارات از برنامه‌های توسعه در زمینه مؤلفه‌های توسعه فراگیر و عملکرد آنها در طول برنامه‌ها افزایش یافته است. تغییرات بسیاری از مؤلفه‌های توسعه فراگیر، نسبت مستقیمی با تغییرات کیفیت حکمرانی داشته است.

در مجموع، این بررسی نشان می‌دهد که اگر دوره برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۵-۱۳۹۰) را به عنوان دوره تحریم جدا کنیم، تمرکز سیاست‌گذاری‌های توسعه بر تحقق بعد درآمدی توسعه (رشد اقتصادی) و عدم توجه به کانال‌های ارتباط رشد با سایر ابعاد اجتماعی توسعه (مانند کانال‌های اشتغال، بهبود زیرساخت‌ها و بهبود خدمات اجتماعی) در واگرایی و شکاف روزافزون توسعه فراگیر و شاخص درآمد سرانه نقش داشته است. بر این اساس، توصیه‌محوری مقاله حاضر، توجه به این کانال‌های ارتباطی و پیوند زدن استراتژی توسعه با آنهاست. در واقع هر استراتژی رشد و هر برنامه توسعه‌ای ایران بدون توجه به این کانال‌ها ناپایدار و شکننده خواهد بود. بر این اساس، مقاله حاضر توجه به چهار مؤلفه زیر را در طراحی برنامه هفتم توسعه الزامی می‌داند:

اول، افزایش سرمایه‌گذاری و تلاش برای تحقق توسعه در برنامه هفتم توسعه باید به سمت فعالیت‌های تولیدی اشتغال‌زا و مولد هدایت شود. به ویژه این سرمایه‌گذاری‌ها باید از صنایع سرمایه‌بر و معدنی کنونی (مانند فولاد، سیمان، آلومینیوم، بالادست پتروشیمی و...) جدا شده و بر تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری‌هایی تمرکز کند که اشتغال‌زایی بالایی به ویژه در نقاط محروم و حاشیه‌نشین دربردارد.

دوم، سرمایه‌گذاری مستقیم یا تشویق سرمایه‌گذاری (بخش خصوصی) در زیرساخت‌ها به ویژه زیرساخت‌های اجتماعی در نقاط محروم باید مورد توجه قرار گیرد. شاخص فعلی نشان می‌دهد که برخی زیرساخت‌های درمانی مانند «سرانه تخت» یا «پراکندگی پزشک در کشور» از کیفیت پایین برخوردار است که با توجه به وقوع اپیدمی کرونا اهمیت آن هرچه بیشتر حس می‌شود. زیرساخت‌هایی مانند جاده‌های روستایی، خدمات بهداشتی و آموزشی، نقش مهمی در بهبود قابلیت‌های گروه‌های پایینی جامعه داشته و باید جایگاه ویژه در هدایت سرمایه‌گذاری‌ها در رشد اقتصادی برنامه هفتم توسعه داشته باشد.

سوم، ملاحظات محیط زیستی باید در قانون سرمایه‌گذاری‌ها و هدایت سیاست‌های رشد در برنامه هفتم توسعه قرار گیرد. شاخص کنونی به وضوح اثر عدم حفاظت از محیط زیست را بر کاهش دستاوردهای توسعه نشان می‌دهد. این موضوع در کنار اهمیت یافتن آثار سوء صنایع آلاینده و آب‌بر در کشور در سال جاری، اهمیت توجه به پیوند سیاست‌های رشد با حفظ محیط زیست در برنامه هفتم را نشان می‌دهد.

چهارم، برنامه توسعه هفتم باید واجد دستور کاری برای بهبود کیفیت حکمرانی (هم در زمینه مدیریتی و هم سیاسی) باشد. حکمرانی واجد هر دو بعد مدیریت و مشارکت و پاسخگویی است. شواهد نشان می‌دهد برنامه توسعه زمانی موفق‌تر است که کیفیت حکمرانی نیز بهبود پیدا کند، بنابراین سیاست‌گذاری برای بهبود کیفیت حکمرانی باید در دستور کار برنامه هفتم و نیز فعالان سیاسی کشور باشد.

منابع و مآخذ

۱. بختیاری، صادق، همایون رنجبر و سمیه قربانی (۱۳۹۱). «شاخص ترکیبی رفاه اقتصادی و اندازه‌گیری آن برای منتخبی از کشورهای در حال توسعه»، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ش ۹.
۲. بزلی، تیموتی و لویز کورد (۱۳۸۹). *رشد فقرزد/ ترجمه عباس شاکری و امین مالکی*، تهران، نشر نی.
۳. پروین، سهیلا (۱۳۹۴). «رشد اقتصادی و طبقه متوسط»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ش ۵۶.
۴. توفیق، فیروز (۱۳۸۵). «برنامه‌ریزی در ایران و چشم‌انداز آینده آن»، تهران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
۵. حسینی، محمدرضا و احمد جعفری صمیمی (۱۳۸۹). «برآورد و ارزیابی روند رفاه اقتصادی ایران با استفاده از شاخص ترکیبی CIEWB»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ش ۴۲.
۶. رجب‌پور، حسین (۱۳۹۵). «ارزیابی جایگاه استراتژی توسعه صنعتی در برنامه‌های توسعه کشور و چشم‌انداز آن در برنامه ششم توسعه»، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۴۷۹۰.
۷. شریف‌زاده، ابوالقاسم و غلامحسین عبدالله‌زاده (۱۳۹۰). «سطح‌بندی توسعه منطقه‌ای در ایران (کاربرد رهیافت شاخص ترکیبی)»، *مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، ۴ (۱۳).
۸. صادقی، سیدکمال (۱۳۹۲). «بررسی عوامل مؤثر بر رشد فراگیر در استان‌های ایران (رهیافت گشتاور تعمیم‌یافته در داده‌های تابلویی)»، *اقتصاد و توسعه منطقه‌ای*، ش ۶.
۹. صادقی‌شاهدانی، مهدی، محمدهادی زاهدی وفا و مهدی قائمی اصل (۱۳۹۱). «شاخص‌سازی ترکیبی توسعه انسانی مبتنی بر آموزه‌های تمدن اسلامی و به‌کارگیری آن در ارزیابی جایگاه جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه، ش ۸.
۱۰. کریمی‌موغاری، زهرا و جواد براتی (۱۳۹۵). «تعیین سطح نابرابری منطقه‌ای استان‌های ایران: تحلیل شاخص ترکیبی چندبعدی»، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ش ۲۶.
۱۱. مومنی، فرشاد (۱۳۹۴). *اقتصاد سیاسی توسعه در ایران امروز*، تهران، انتشارات نقش و نگار.
۱۲. میرجلیلی، سیدحسین، امین محسنی چراغلو و امید صفری (۱۳۹۷). «بررسی عوامل مؤثر بر رشد فراگیر کشورهای منتخب سازمان همکاری اسلامی»، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ش ۳۲.
۱۳. هادی‌زنوز، بهروز (۱۳۸۴). «فقر و نابرابری درآمد در ایران»، *رفاه اجتماعی*، دوره ۴، ش ۱۷.
۱۴. _____ (۱۳۸۹). *بررسی نظام برنامه‌ریزی اقتصادی در ایران (دوره قبل از انقلاب اسلامی)*، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

15. ADB (2008). "Strategy 2020: The Long-Term Strategic Framework of the Asian Development Bank 2008–2020".
16. ADB (2011). "Key Indicators for Asia and the Pacific", Asian Development Bank.
17. Ali, I. and H.H. Son (2007). "Measuring Inclusive Growth", *Asian Development Review*, Vol. 24, No. 1.
18. Ali, I. and J. Zhuang (2007). "Inclusive Growth Toward a Prosperous Asia: Policy Implications", ERD Working Paper Series, No. 97.
19. Anand, R., S. Mishra and S.J. Peiris (2013). "Inclusive Growth: Measurement and International Monetary Found (IMF)", IMF Working Paper.
20. Arezki, R. and M. Nabli (2012). "Natural Resources, Volatility, and Inclusive Growth: Perspectives from the Middle East and North Africa", Monetary International Found (IMF).
21. Armah, B., M. Keita, A. Gueye, V. Bosco, J. Ameso and Z. Chinzara (2014). "Structural Transformation for Inclusive Development in Africa: The Role of Active Government Policies", *Development* 57.
22. ASEAN. (2007). "Report of the Eminent Persons Group on the ASEAN Charter", Cebu, The Philippines: ASEAN Documents.
23. Bebbington, A.J. et al. (2008). "Inequalities and Development: Dysfunctions, Traps and Transitions", In A.J. Bebbington, A.A. Dani, A. de Haan and M. Walton, *Institutional Pathways to Equity (Addressing Inequality Traps)*, World Bank.
24. Berg, A.G. and J.D. Ostry (2011). *Inequality and Unsustainable Growth: Two Sides of the Same Coin?*, IMF Staff Discussion Note, Washington, DC: IMF.
25. Commission, J.R.C.E. (2008). "Handbook on Constructing Composite Indicators: Methodology and User Guide", OECD Publishing.
26. Dani, A.A. and A. de Haan (2008). "Inclusive States: Social Policy and Structural Inequalities", The World Bank.
27. Hakimian, H. (2011). "The Economic Prospects of the 'Arab Spring': A Bumpy Road Ahead", *CDPR Development ViewPoint* (63).
28. Hakimian, H. (2013). *The Search for Inclusive Growth in the MENA Region*, African Development Bank.
29. Hakimian, H. (2016). "Measuring Inclusive Growth: From Theory to Applications in North Africa", African Development Bank.
30. Kakwani, N. and E.M. Pernia (2000). "What is Pro-poor Growth?", *Asian Development Review*, 18 (1).
31. McKinley, T. (2010). "Inclusive Growth Criteria and Indicators: An Inclusive Growth Index for Diagnosis of Country Progress", Asian Development Bank.
32. Nabli, M.M.K. and M.R. Arezki (2012). "Natural Resources, Volatility, and Inclusive Growth: Perspectives from the Middle East and North Africa", International Monetary Fund.
33. North, D.C. (1981). *Structure and Change in Economic History*, Norton.

34. ——— (2006). *Understanding the Process of Economic Change*, Academic Foundation.
35. North, D.C., J.J. Wallis and B.R. Weingast (2009). *Violence and Social Orders: A Conceptual Framework for Interpreting Recorded Human History*, Cambridge University Press.
36. OECD (2008). “Handbook on Constructing Composite Indicators: Methodology And User Guide”, OECD Publishing.
37. Robinson, J.A. and D. Acemoglu (2012). *Why Nations Fail: The Origins of Power, Prosperity and Poverty*, London, Profile.
38. Rauniar, G. and R. Kanbur (2010). “Inclusive Growth and Inclusive Development: A Review and Synthesis of Asian Development Bank Literature”, *Journal of the Asia Pacific Economy*, 15 (4).
39. Stiglitz, J.E., A. Sen and J.P. Fitoussi (2009). “Report by the Commission on the Measurement of Economic Performance and Social Progress”, <https://www.oecd.org/statistics/measuring-economic-social-progress/aboutthehigh-level-expert-group.htm>
40. Stiglitz, J.E. (2012). *The Price of Inequality: How Today's Divided Society Endangers Our Future*, WW Norton and Company.
41. Suryanarayana, M.H. (2013). *Inclusive Growth: A Sustainable Perspective*, Mumbai, INDIA: UNDP.
42. Unido (2017). *Industrial Development Report, Demand for Manufacturing: Driving Inclusive and Sustainable Industrial Development*.
43. Venini, P. and F. Murtin (2016). *Where is Inclusive Growth Happening? Mapping Multi-Dimensional Living Standards in Oecd Regions*, Paris, OECD.
44. WB. (2004). *Unlocking the Employment Potential in the Middle East and North Africa*, Washington, World Bank.
45. WEF. (2017). *Inclusive Growth and Development*, Geneva, World Economic Forum.
46. ——— (2018). *The Inclusive Development Index 2018*, Geneva, World Economic Forum.